

# انجمن های ادبی و نقد ادبی

محمد کاظم کاظمی



کار گاهی و پرور شگاهی باشد برای ساخته شدن منتقدان آینده. بسیاری از کسانی که در عرصه مطبوعات منتقدان خوبی هستند، این کار را از همین انجمن های ادبی شروع کرده اند. از جانبی دیگر اختصاص یافتن نقد شعر به چند تن خاص، کار رایج بعدی و یکنواخت خواهد کرد، چون افراد خاص، معمولاً وقتی بخواهند مدت ها نقد کنند، دیگر حرف های تکراری و کلیشه ای خواهند گفت. و ختم کلام این که به قول بعضی ها «ناگفته پیداست» که نقد شعر باید توأم با ملامت و معیار های روشن و البته بالحنی ملایم و متناسب با مقام ارائه شود. از مطلق گویی و نقد کردن فقط بر مبنای این که «من خوشم می آید» یا «خوشم نمی آید» بپرهیزیم. سعی کنیم که نقد ما تا جایی که ممکن است، مشارکت با شاعر باشد برای ارتقای کیفیت شعر او، ضمن این که برای دیگر مخاطبان هم نکاتی آموزشی داشته باشد. و از آن سوی، کسی که شعرش نقد می شود هم باید پذیرا و فروتن باشد، حتی اگر آن نقدها را نابه جامی داند. ما باید بدانیم که یک منتقد، باهر گونه نقدی که بر اثر مامی کند، به نوعی به ما لطف کرده است، به ویژه در یک انجمن شعر. از این نظر فرقی است بین نقد مطبوعاتی و نقد انجمنی. در نقد مطبوعاتی، مخاطب سخن عموم مردم اند و منتقد هم می بایست مراقب باشد که چه چهره ای از شاعر در جمع مردم ترسیم می کند. خطایی که در این نقدها رخ دهد، ناخوشودنی است، به ویژه که غالباً این شاعر نیست که خودش پیشنهاد دهند نقد بوده باشد، بلکه منتقد است که برای نقد یک اثر پیشگام می شود و شاعر هم به ندرت امکان پاسخگویی دارد. ولی در یک انجمن شعر، این شاعر است که شعرش را به منتقد عرضه می کند. پس باید خود را اوم دار نظر منتقد بداند و نظر او را با شکیبایی بشنود، حتی اگر نپذیرد. شایسته است که او حتی اگر توضیحی درباره شعرش خواستند، بدون موضع گیری منفی توضیح دهد. بله، در ست است که شعر باید بی نیاز از توضیح باشد و نمی توان شاعر را در هنگام ارائه اثر به مخاطبان، به توضیح درباره آن اثر ملزم کرد، ولی وقتی شاعر خودش شعرش را برای نقد به دیگران عرضه می کند، در قبال تلاشی که منتقد برای بهبود کیفیت اثر او می کند، او هم باید با او همکاری کند، همان طور که بیماری که برای مداوا به پزشک مراجعه کرده است، نمی تواند بگوید «من قرار نیست درباره بیماری ام توضیح بدهم.»

وسخن آخر این که بسیار شایسته و حتی ضرور است که لحن و سطح نقد شعر هر شاعر، با سن و سال و میزان تجربه شاعری او متناسب باشد. شعر جوانی را که در ابتدای راه است، باید با ملامت بیشتر نقد کرد. نقد کار هر شاعری، وقتی میسر است که مسیر حرکت او را پیش چشم داشته باشیم و از نقد پذیری او هم مطمئن باشیم. در مقابل شاعری که با نقد پذیر نیست، یا دیگر از رشد و پیشرفت گذشته و نقد ما سودی به حال او نخواهد کرد، فقط لبخند بزنیم و دست تکان دهیم.

کیفیت هنری شعر، نسبت به جوانب محتوایی و عاطفی آن هم حساسیت داشته باشد و به همان میزان به آرایه های ادبی تأثیر و قبول عام شعرش در میان مخاطبان مردمی هم بیندیشد. اما در انجمن های ادبی غالباً کسانی حضور دارند که شعر را از وجه هنری آن می بینند و نقد هایشان هم بیشتر به همین وجه از شعر معطوف است. چنین است که به طور طبیعی و ناگزیر، نقد و نظر ها در انجمن های شعر به جوانب فنی شعر معطوف می شود و همین ممکن است حساسیت شاعر را نیز به مرور زمان نامتوازن بسازد. یعنی اونیز بیش از این که به جنبه محتوایی شعرش و تأثیر آن بر روی مخاطبان عام می اندیشد، نگران مسائل فنی باشد که در انجمن ها بر آن تأکید می شود. از همین رو است که بحث وزن و قافیه و اختیارات شاعر در وزن و قافیه را در انجمن ها بسیار گرم و داغ می بینیم و بیشتر مواقع شاعران آن قدر که مراقب و نگران شایگان شدن قافیه و اختیارات وزن هستند، نگران بازتاب اجتماعی و بیرونی اثر خود نیستند. به نظر می رسد که غرق شدن بسیار در انجمن های ادبی، شاعران را از وظیفه اصلی شان که سرودن شعر برای عموم مردم جامعه است غافل می سازد و آنان را به سمتی می برد که فقط «پسند خواص» برایشان مهم باشد، نه «فهم عوام».

همین قضیه از اسباب غفلت شاعران از مردم و چرخیدن شعر ها در دایره ای از اهل ادب است، دور از مردم و نیاز ها و پسند های آنان. خوب، تا جایی که برای ما و در این مجال مقدور بود، به محاسن و آسیب های نقدهای انجمنی اشاره کردیم. حال به بعضی مقتضیات نقد در جلسات ادبی اشاره می کنیم، نکاتی که به گمان من می تواند در بهبود کیفیت این نقدها و پیشگیری از آسیب های آن کمابیش مؤثر باشد. این ها بیشتر بر تجربه هایی مبتنی است که در این چند دهه از شرکت در جلسات شعر کسب کرده ام.

شایسته است که نقد شعر در یک انجمن، همگانی باشد، هم از نظر منتقدان و هم از نظر نقد شوندگان. این بسیار بد است که در یک انجمن شعر، گروهی فقط شایسته نقد شدن دانسته شوند و گروهی فقط شایسته نقد کردن. باید بپذیریم که ممکن است شعر یک شاعر توانا هم جای نقد و ارزیابی داشته باشد، به ویژه اگر از نقد، نشان دادن توأم حسن و عیب را در نظر داشته باشیم. گاهی بسیاری از نکته های آموزشی را در نقد شعر های خوب می توان دریافت و البته گاهی همین شعر ها هم خالیگاه هایی دارد که قابل یادآوری باشد. چنان که گفته شد، نمی توان و نباید توقع داشت که همیشه آن «استاد ها» بهترین نقدها را ارائه کنند. گاهی جوان تر ها و نوآموز ها به سبب روحیه جوانی و آمادگی ذهنی خود، برای نکته یابی در شعر ها توانا ترند. از جانبی دیگر هر انجمن شعر، باید

هر جا شعر بوده است، انجمن ادبی هم بوده است، یعنی جایی که شاعران و احیاناً شعر دوستانی، به طور خاص گرد هم آیند و شعر بخوانند و گاه هم شعر های همدیگر را نقد کنند. آنگاه که شعر ما در باری بود، انجمن شاعران هم در دربار بود؛ آنگاه که شعر ما به مدرسه و خانقاه راه یافت، انجمن ها در آن جا ها تشکیل شدند و آنگاه که به میان مردم پای نهاد، قهوه خانه ها و حجره ها محل نشست و برخاست شاعران شدند. این محل ها غالباً علاوه بر محل عرضه آثار، کانون نقد ادبی هم بوده اند.

اما با همه تفاوتی که انجمن های ادبی از دیروز تا امروز داشته اند، نقد شعر در این هایک سلسله ویژگی های مشترک دارد و محاسن و آسیب های نسبتاً مشخصی در آن می توان یافت که در اینجا به آن ها اشاره می کنیم. نقد شعر در انجمن های ادبی معمولاً شفاهی است و رودر رو. این خود حسن هایی دارد و عیب هایی. حسن مهم آن این است که نقد اثر، مشخصاً به سراینده عرضه می شود و او در جریان نقاط قوت و فرود اثرش قرار می گیرد، بر خلاف نقدهای مکتوب مطبوعاتی که چه بسا هیچ گاه آن ها را نبینند و نخوانند.

و چون نقد رودر رو است، امکان توضیح و پاسخگویی شاعر هم وجود دارد و این گاهی مانع خطا و قضاوت یک سویه منتقدی می شود که ممکن است دریافت درست و دقیقی از اثر نکرده باشد. یا ممکن است در این گفت و گو و زوایای بیشتری از موضوع بحث روشن شود که برای طرفین یا دیگر اعضای جلسه کارآمد و آموزنده باشد. این هم یک حسن کار است.

حسن دیگر نقدهای انجمنی این است که در این مجامع شاعرانی که هنوز آثار شان به مرتبه ارائه مکتوب یا رسانه ای نرسیده است، از نقد محروم نمی شوند چون اینجا نقد اثر موقوف به انتشار آن نیست. بدین ترتیب این نقدها گاهی می تواند کیفیت آثار را برای عرضه در محافل بزرگ تر، رسانه ها و چاپ اثر در نشریات و مجموعه شعر ها ارتقا دهد. به واقع این نقدی است قبل از عرضه اثر و از این رو قدری کارآمدتر است، بر خلاف نقدی که بر کتاب شعر می شود و در آن درباره اثری سخن گفته می شود که دیگر امکان اصلاح آن نیست، مگر در چاپ های بعدی. در مجموع نقد انجمنی از جهت پیشگیری از ارائه آثار ضعیف به جامعه و بالا اقل تقویت آن آثار، سودمند است. ویژگی دیگر این است که در نقدهای انجمن تک تک آثار یک شاعر و آن هم بیت به بیت نقد می شود. این نقدی است جزئی و اگر شاعری همه شعر های یک مجموعه را پیش از انتشار در انجمنی خوانده باشد و این آثار نقد و اصلاح شده باشد، مسلماً در هنگام انتشار کارش بی نقص تر است. تجربه نشان داده است که کتاب هایی که قبل از انتشار، در جلسات خوانده شده و نقد شده اند، پراست تر و کم عیب تر بوده اند. اما انجمن های ادبی از منظر نقد، از بعضی مشکلات و آسیب ها هم به دور نیستند. مسئله اصلی این است که در بسیاری از انجمن های ادبی، نقد شعر هیچ جایی ندارد. این ها به واقع شب شعر هایی کوچک اند و محل عرضه آثار. نقد در این جلسات فقط محدود می شود به بعضی نکته های فنی کوچک در حدود وزن و قافیه و امثال این ها. البته این جلسات هم برای اقناع روحی شاعری که شعری سروده است و قصد ارائه آن به مخاطبانی را دارد، خالی از فایده نیست، ولی تا جایی که من در این قریب به سی سال دیده ام، آن انجمن هایی زاینده و محل پرورش نسلی از شاعران خوب بوده اند که تکیه اصلی در آنها بر نقد بوده است، نه فقط شعر خوانی. اما نقدهایی که در بعضی انجمن های ادبی صورت می گیرند، خالی از آسیب نیستند. به نظر من مشکل بزرگ انجمن ها در کل این است که در مجموع این نقدهای انجمنی شاعران را تک بعدی بار می آورد. شاعر خوب شاعری است که حساسیت هنری، اجتماعی و فکری او متناسب با هم رشد کرده و تقویت شده باشد. یعنی علاوه بر

مسئله اصلی این است که در بسیاری از انجمن های ادبی، نقد شعر هیچ جایی ندارد. این ها به واقع شب شعر هایی کوچک اند و محل عرضه آثار. نقد در این جلسات فقط محدود می شود به بعضی نکته های فنی کوچک در حد وزن و قافیه و امثال این ها

